

اسلام، برده داری و نخبگان دینی

جلال ایجادی



تاریخ اسلام که سرشار از خشونت و تجاوز و عدم احترام بدیگران بوده توسط مبلغان و ایدئولوگهای اسلامی تحریف گشته است و پیوسته سیاست زشت و ضد انسانی برده داری که در قرآن درج شده با سکوت طرفداران اسلام توأم بوده است. در درون جبهه قدرتمداران و سیاسیون و روشنفکران و کنشگران مسلمان کسی لب به اعتراض نگشوده و گفتار قرآنی را محکوم نمیکند.

قرآن کتاب مقدس مسلمانان بسیاری از احکام را برپایه تبعیض قرارداده است. بعنوان نمونه در دیدگاه قرآن انسانها برابر نیستند و دارای حقوق یکسان نمیباشند. مومن دارای امتیازات و برتری است، حال آنکه کافر و مرتد و یهودی و مسیحی بهیچوجه آن امتیازات و برتری را ندارند. زن با مرد برابر نیست و نسبت به مرد از محرومیت بزرگی برخوردار است. برده نیز از حقوق برابر با دیگر انسانها برخوردار نیست.

اگر حقوق و برابری انسانها پایه تفکرماست، بنابراین رنگ پوست، نژاد، وضع اقتصادی و اجتماعی، تفاوت در فرهنگ و دین، اعتقاد دینی و ناباوری، وابستگی خانوادگی و غیره هیچ امتیاز برتری جویانه برای یک فرد نسبت به فرد دیگر نمیآفرینند.

برده کیست؟ قانون بین المللی بردگی را بمثابه حالت و شرایطی تعریف میکند که در آن یک فرد توسط فرد دیگر به تصاحب درآمده است. بنابراین برده فردی است که در مالکیت فرد دیگر قرار دارد. در طول تاریخ، مبارزه سیاسی و حقوقی علیه برده داری (یا خرید و فروش انسان) یکی از فصلهای بزرگ بشریت بوده و امروز برده داری در جهان متمدن و مترقی کنونی و در عصر منشور حقوق بشر بطور مسلم محکوم است.

قرآن در دوره اجتماعی خاصی نوشته شده که یکی از خصوصیات آن وجود برده داری در جامعه شبه جزیره عربستان میباشد. درآیات گوناگون این پدیده را باسانی میتوان پیگیری نمود. قرآن محصول جامعه و یکسری افکار و کردارهای محیط خود میباشد و بنابراین قرآن متناسب با اعتقادات گروههای اجتماعی مشخصی به امر برده داری نه تنها اشاره کرده، بلکه بعلاوه برده داری را مشروع میدانند. به بیان دیگر

اسلام باعتبار قرآن برده داری را قبول دارد و در پی لغو آن نمیباشد.

قرآن در سوره روم، آیه ۲۸، اعلام میکند که خدا برای هدایت شما، غلام (برده مرد) و کنیز (برده زن) روزی شما کرده است و آنها شریک و برابر شما نیستند. قرآن در جای دیگر میگوید: خدا رزق و روزی بعضی از شما را بر بعضی دیگر فزونی داده است و آنکه رزق و روزی او بیشتر شده است، زیادی به زیردستان (برده) و غلامان (برده) ندهد تا با او مساوی شوند (قران . سوره نحل . آیه ۷۱). داشتن غلام و کنیز یک امتیاز مهم بوده و دین خواهان حفظ این امتیاز و خواهان نابرابری گروه ممتاز با این گروه اجتماعی زیردست و غلام است.

قرآن در تنظیم مقررات اجتماعی آن دوران افراد را به رعایت حکم در مناسبات جنسی و تامین نیازهای "شهوایی" مرد فرامیخواند. مردان برای میل جنسی خود از زنان خود باید بهره گیرند و همچنین کنیزانی که مالک آنها میباشند، واژه مالکیت بر برده مرد را با حقوق کامل بر جان و روح برده نشان میدهد: آنان که نگهدارنده نیروی شهوت خویش اند مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی (برده زن) که مالک آنها شده اند که در این صورت بر آنان ملامتی نیست (قرآن . سوره المومنون آیه ۵ و ۶). مرد مالک کنیز میگردد تا برای شهوت به کنیز تجاوز کند و سرزنشی نبیند.

در قرآن برای مرد چهار همسر ممکن است زیرا تمایلات جنسی مرد بطرز گسترده میتواند برآورده شود و در صورت نیاز مرد میتواند کنیز داشته باشد و از آنجاکه مالکیت از آن مرد است پس ملامتی در کار نخواهد بود در سوره دیگری مورد تاکید قرار میگیرد: کسانی که اندام خویش را از شهوت رانی نگه می دارند؛ مگر بر زنان حلال و کنیزان (برده زن) ملکی خویش، که از اعمال شهوت هیچ ملامتی بر آنها نیست. (قران . سوره معارج . آیه ۲۹ و ۳۰)

در واقع قرآن بازتاب کردار و سنت جامعه خود است و پیامبر این پراتیک اجتماعی را بمثابه یکی از ضوابط جامعه مورد نظر خود قرار میدهد و بعلاوه این بردگی براساس سکس و شهوت مرد و نیز امر تولیدی است. این کلام دینی پیوسته روح مسلمان را آماده میسازد تا بدترین رفتارها را بپذیرد و امر درونی ذهن خود کند.

فرانسه اولین کشوری است که از تاریخ ۴ فوریه ۱۷۹۴ میلادی برده گی را در مستعمرات خود لغو میکند. در سال ۱۹۲۶ جامعه ملل برده داری را محکوم نمود. سازمان جهانی کار در ۱۹۳۰ کار اجباری را مترادف

کار بندگی ارزیابی می نماید. کنوانسیون الغای برده داری در ۱۹۵۶ انقیاد افراد بخاطر بدهی مالی و ازدواج اجباری را بمثابه بردگی اعلام نمود. بعلاوه کار کودکان، بیگاری در خانه و معاملات و تجارت جنسی زنان نیز در طبقه بندی بردگی قرار میگیرد. برده داری یک پدیده تاریخی بوده که در تمدن بین النهرین، یونان کهن، امپراتوری رم، افریقا، اروپا، آمریکا و کشورهای عربی وجود داشته است. در برخی از نقاط جهان هنوز برده داری وجود دارد، بعنوان نمونه در برخی کشورهای مسلمان مانند عربستان و عمان وبخصوص سودان باعتبار احکام شریعت برده داری موجود است.

مبارزه علیه برده داری واشکال گوناگون آن و تحقیر و بندگی انسان یک امر اساسی است. اعتراض به بردگی و احترام به حقوق بشر در هرگونه کردار و رفتار و گفتار باید خود را نشان بدهد. هیچگونه سکوت و مماشاتی در قبال بردگی قابل قبول نیست. نسلهائی که که بر پایه احترام به انسانها و برابری انسانها پرورش میابند باید صدای معترضین را به بردگی بشنوند. اسلام مدافع برده داری و در تناقض با حقوق بشر میباشد. (به مقالات متعدد من در نقد اسلام رجوع کنید).

حال وقتی ما می بینیم که کتاب مقدس اسلام، قرآن، حامی واقعیت زشت بردگی است، نمی توان سکوت کرد. تاریخ اسلام که سرشار از خشونت و تجاوز و عدم احترام بدیگران بوده توسط مبلغان و ایدئولوگهای اسلامی تحریف گشته است و پیوسته سیاست زشت و ضد انسانی برده داری که در قرآن درج شده با سکوت طرفداران اسلام توأم بوده است. در درون جبهه قدرتمداران و سیاسیون و روشنفکران و کنشگران مسلمان کسی لب به اعتراض نگشوده و گفتار قرآنی را محکوم نمیکند.

آل احمد، شریعتی، سروش، مطهری، مجتهد شبستری، کدیور، یوسفی اشکوری و صدها فرد سیاسی و روزنامه نگار و کنشگر اسلامی، علیرغم قلمفرسائی های فراوان و علیرغم حضور فعال در اجتماع، در این باره سکوت کردند و از کنار قضیه گذشتند. اینان چرا موضع قرآن را محکوم نکردند؟ آیا این امر یک پدیده فرعی و بدون اهمیت است؟ آیا این امر به مبارزه امروز جامعه ربطی ندارد؟ آیا این امر بمثابه یک پدیده زشت مورد برخورد نقادانه نباید قرار گیرد؟ تلاش جامعه جهانی بر علیه برده داری برای ارتقا ارزش های انسانی و تحکیم همبستگی و برابری انسانهاست، حال چرا نخبگان اسلامی سکوت میکنند؟

تائید برده داری در قرآن فقط بیان یک موضع تاریخی در ۱۴۰۰ سال پیش نیست. بلکه این موضع در متن سندی است که اساس اعتقادات

مسلمانان است. این کتاب مورد احترام و اجرا برای مسلمانان جهان و تمامی تخبگان سیاسی و فرهنگی این دین است که بدان اتکا میکنند. میتوان با جسارت گفت که سکوت نخبگان برای پوشاندن زشتیها و وارونه نشان دادن ماهیت اسلام است. اگر غیر از این مطلب پیشنهاد میکنم نظر خود را توضیح دهند.

البته فرصت طلبان راست و چپ و جمهوری خواه و ملی گرا بسیاری هستند که اینگونه پرسش ها را غیر ضروری دانسته و خواهان جلوگیری از مبارزه فکری در نقد اسلام هستند. این سیاست زدگان کم جرات، خدمتگزاران قدرت و خرافات بوده و مخالفان روشنگری میباشند. آنچه که برای جامعه ما مهم است بازنگری اعتقاداتش میباشد. آلودگی های ناشی از استعمار دینی در اذهان بسیارند.

جلال ایجادی جامعه شناس

پاریس ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۳